دبیر کل دارالتقریب مذاهب اسلامی قاهره پروژه‌ مصری تقریب؛ همچنان نخبه‌گرایانه و سیاست‌محور



آخرین روزهای شهریور ۱۳۹۶ عبده قمی دبیرکل دارالتقریب مذاهب اسلامی قاهره که فرزند و جانشین آیت‌ شیخ محمدتقی قمی بود در قاهره درگذشت. وی در سال‌های پس از درگذشت پدر، میراث‌دار او در دارالتقریب مصر بود. قمی پدر نیز در شهریور ۱۳۶۹ در سن هشتادسالگی بر اثر سانحه رانندگی در پاریس درگذشته و پس از یک تشییع خاموش در امامزاده عبده تهران دفن شده بود. در سال‌های پس از درگذشت پدر، قمی پسر در قاهره به فعالیت خود ادامه داد و چراغ کم‌سوی تقریب مذاهب اسلامی را سال‌های تیرگی شدید روابط ایران و مصر روشن نگاه داشت.

عبده قمی

عبده قمی تابستان ۱۳۸۷ در گفت‌وگویی با «المصری الیوم» تنها راهکار حل اختلافات شیعه و سنی را نزدیکی مصر و ایران دانسته بود. در این گفت‌وگو ـ که بنا به گفته خبرنگار المصری الیوم، قرار نبود سیاسی باشد ـ عبده قمی درباره کم‌کاری چهار دهه اخیر دارالتقریب قاهره گفته بود:

ما در سکوت و بدون هیچ‌گونه هیاهوی رسانه‌ای برای از بین بردن عوامل اختلاف میان همه مذاهب اسلامی

می‌کوشیم که آشکارترین این اختلافات، میان سنی و شیعه است. ما اساساً یک تشکل مدنی مصری هستیم که بیشترین اعضای ما را علمای اهل سنت مصری تشکیل می‌دهند و هیچ‌گونه فعالیت اجتماعی دیگری نداریم. تشکل ما پیش از آن‌که به دنبال نزدیکی میان توده‌های مردم باشد، به دنبال ایجاد نزدیکی بین علمای جهان اسلام است.

دبیرکل فقید دارالتقریب قاهره در ادامه این گفت‌وگو به دلیل توقف فعالیت‌های دارالتقریب پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران پرداخته است:

پس از گسترش جنگ اول خلیج فارس میان ایران و عراق در سال ۱۹۸۰ فشارهایی از خارج مصر بر دارالتقریب وارد می‌شد تا از آن بهره‌برداری سیاسی کنند؛ اما پدرم مرحوم شیخ محمدتقی قمی و نیز شیخ عبدالعزیز عیسی وزیر امور الازهر با آن مخالفت کرده و تصمیم به بستن دارالتقریب و توقف فعالیت آن گرفتند. حدود دو سال بعد شیخ محمود عاشور که یکی از علمای بزرگ الازهر بود تصمیم به بازگشایی دارالتقریب گرفت. شاید به همین دلیل است که هیچ‌کس نمی‌داند عملکرد ما بر پایه مذهب، و نه فرقه‌گرایی است. اسلام دین فراگیری است که هیچ مسلمانی بر سر آن اختلاف ندارد و مهم این است که به خاطر برخی اختلافات، همدیگر را تکفیر نکنیم. امروز بسیاری از مسلمانان نمی‌دانند که در زمان حکومت عثمانی، اختلاف میان پیروان دو مذهب سنی شافعی و حنفی به جایی رسیده بود که همدیگر را تکفیر می‌کردند؛ اما آن‌ها موفق شدند که آن اختلافات را کنار بگذارند و ما امروز به دنبال همین موفقیت در اختلافات شیعه و سنی هستیم. از همین فرصت استفاده می‌کنم تا این شایعه را تکذیب کنم که ما در دارالتقریب به دنبال شیعه‌کردن اهل سنت مصر بوده و پول زیادی در این راه صرف کرده‌ایم. چگونه می‌شود این شایعه را باور کرد، در حالی که نود درصد اعضای تشکل ما از اهل سنت هستند؟! طبعاً اهل سنت هیچ رغبتی برای شیعه‌کردن مصری‌ها ندارند.

در ادامه گفت‌وگو خبرنگار «المصری الیوم» از عبده قمی می‌پرسد: گفتید که شافعی و حنفی موفق شدند به اختلافات خود پایان دهند. پس چرا شما پس از نیم قرن فعالیت در دارالتقریب موفق به حل اختلافات شیعه و سنی نشده‌اید؟ قمی در پاسخ به این پرسش مهم، ابتدا نقبی به تاریخ صدر اسلام می‌زند تا نکته مهمی را بازگو کند:

در ابتدا دوست دارم بر این حقیقت مهم تأکید کنم که بر خلاف برخی گفته‌ها اختلاف میان مسلمانان نه از زمان درگذشت عثمان و آغاز خلافت علی، بلکه در پی حوادث بعد از وفات پیامبر و اختلاف بین مهاجرین و انصار بر سر جانشینی ایشان آغاز شد. در جدال‌های پس از قتل عثمان بر سر قدرت و حکومت نیز هیچ

کس دیگری را تکفیر نکرد. حتی پس از شورش بانو عایشه علیه امام علی، ایشان عایشه را تکفیر نکرد و امام علی نیز به واسطه جنگ با عایشه تکفیر نشد. اما امروز می‌بینیم که برخی علمای مسلمان با تکفیر شیعیان خواهان مخالفت مسلمانان با آن‌ها هستند؛ که این قابل قبول و مطابق تسامح و مدارای اسلامی نیست.

عبد‌ قمی در ادامه پاسخ به این پرسش می‌گوید که ریشه بسیاری از اختلافات شیعه و سنی را دلایل سیاسی می‌داند: «از نظر من اختلاف سنی و شیعه همواره سیاسی بوده و در قرن‌های گذشته قدرت‌های سیاسی کوشیده‌اند با ورق اختلافات شیعه و سنی بازی کنند تا بتوانند مسلمانان را در عقب‌ماندگی و انحطاط نگه دارند. به همین دلیل، ما در دارالتقریب خواهان نزدیکی میان مسلمانان و پیگیری پروژه فکری اسلامی برای بیدار کردن آنها بوده‌ایم».

خبرنگار در ادامه از قمی پرسیده بود که آیا او هم مانند برخی، ایران را یکی از عوامل اختلاف‌افکنی فرقه‌گرایانه میان شیعه و سنی می‌داند؟ که قمی در پاسخ می‌گوید چنین تصوراتی را درست نمی‌داند:

ایران مساوی شیعه نیست. شیعه یک مذهب است که در کشورهای مختلف جهان پیروانی دارد. اکثر جمعیت ایران نیز تا پیش از صفویه و قرن شانزدهم میلادی از اهل سنت بوده‌اند. حتی اکنون نیز ۱۵ میلیون نفر از جمعیت ۸۰ میلیونی ایران را اهل سنت تشکیل می‌دهند. با این‌که گفته می‌شود ایران دوست دارد در تحولات منطقه نقش‌آفرین باشد، ولی ایران با وجود علاقه به جنبش حماس، خواهان شیعی بودن آن نیست. همان‌طور که به صلاح ایران نیست که اختلافات میان شیعه و سنی را در همه جای دنیا دامن بزند. اتفاقات عراق نیز ربطی به اختلافات شیعه و سنی ندارد. من یک سیاستمدار ایرانی نیستم که بتوانم درستی مواضع ایران را ارزیابی کنم؛ ولی تأکید دارم که مصر و ایران قوی‌ترین نیروهای جهان اسلام هستند و نزدیکی آن‌ها برای پیشرفت مسلمانان ضروری است و بدون برقراری تفاهم میان این دو کشور، اختلافات شیعه و سنی نیز پایان نخواهد یافت.

تأکید عبد‌ قمی بر راهکار سیاسی حل اختلافات شیعه و سنی این سؤال را برای خبرنگار المصری الیوم پیش می‌آورد که پس نقش اختلافات فکری و عقیدتی در این میان چه می‌شود؟ قمی باز هم بر کمرنگ بودن اختلافات فکری در این دعوای تاریخی تأکید می‌کند:

بر خلاف باور برخی، اختلافات بر سر عقیده نیست. همه بر سر اسلام اتفاق نظر داریم؛ اما اختلافاتی نیز وجود دارد؛ مثلاً این‌که شیعه از ازدواج متعه دفاع می‌کند و آن را جزو امور حلال زمان پیامبر

می‌داند و علمای اهل سنت آن را حرام می‌دانند. ولی این‌که می‌گویند شیعه بر اساس مصحف فاطمه دختر پیامبر دارای قرآن متفاوتی است، یک دروغ است و شیعه نیز همین قرآن را قبول دارد. حضرت فاطمه نیز همین قرآن را روی کاغذهایی نوشته بود که به آن مصحف فاطمه می‌گفته‌اند. همچنین اختلافات جزئی بر سر تولد یا عدم تولد مهدی منتظر و سایر امور غیبی و نیز اختلاف بر سر سجده بر مُهر، نمی‌تواند نقطه اختلاف جدی باشد.

مرحوم عبدّ قمی در این گفت‌وگو که جزو آخرین مواضع منتشرشده‌ی اوست به خوبی نشان می‌دهد که پروژه مصری تقریب، همچنان مسیر جمال‌الدین اسدآبادی و پیروان مصری او را ادامه می‌دهد و بر محوریت نخبگان و سیاستمداران و حل مشکلات سیاسی جهان اسلام تأکید دارد. این‌که وی اختلافات کلامی و فقهی را «جزئی» پنداشته و ازسرگیری روابط سیاسی ایران و مصر را به‌عنوان راهکار ضروری تقریب اسلامی پیشنهاد می‌دهد، حکایت از آن دارد که وی پس از هشت‌دهه تلاش خود و پدرش در پروژه اثرگذار دارالتقریب قاهره و نیز تجربه زیسته‌اش در این دو کشور به این نتیجه رسیده که باید به جای یکسان‌سازی عقاید پیروان دو مذهب، به دنبال ایجاد سازگاری اجتماعی میان آن‌ها بود و در این میان، سیاستمداران و رهبران کشورهای اسلامی هستند که می‌توانند این سازگاری اجتماعی را تقویت کنند و مانع از دخالت منفی قدرت‌های خارجی شوند.

یکی از نقدهای مهمی که به پروژه مصری و حتی ایرانی و عراقی تقریب وارد می‌شده است، در نظر نگرفتن گسترش فرهنگ تقریب در میان توده‌های مردم بوده که عبدّ قمی در این گفت‌وگو به آن اشاره کرده و همچنان از اهمیت گفت‌وگو میان علما و سیاستمداران اسلامی سخن گفته است. در عراق نیز شیخ محمدرضا کاشف‌الغطاء و شیخ عبدالکریم زنجانی به عنوان مشهورترین فعالان تقریب‌گرای نجف، همین رویه را در پیش گرفتند و «فرهنگ مردمی تقریب» امر مغفول کارنامه آنان بود. امروزه که شبکه‌های اجتماعی و مدل‌های نوین جنبش اجتماعی، اهمیت مضاعفی به نقش توده‌های مردم بخشیده، شاید نقطه عطف پروژه تقریب نیز فرارسیده باشد.

(منبع: مجله تقریرات، شماره ۷)

(تصویر ابتدای مطلب: عکسی قدیمی از دانشگاه الازهر)